

سرشناسه: مصطفوی، محمد، ۱۳۵۳ -
عنوان و نام پدیدآورنده: بی‌سروسامان دوست: خاطرات بسیجی شهید
حاج حسن مصطفوی در پرتو نقیین / محمد مصطفوی.
مشخصات نشر: قم: ذکر، ۱۳۹۵.
مشخصات ظاهری: ۴۴۰ ص.
ISBN: 978 - 600 - 6041 - 88 - 9 - ۱۲۰۰۰۰ ریال؛ ۹ - ۱۲۰۰۰۰

وضعیت فهرست نویسی: فیا
موضوع: مصطفوی، حسن؛ ۱۳۲۵ - ۱۳۶۳ - خاطرات.
موضوع: جنگ ایران و عراق، ۱۳۵۹ - ۱۳۶۷ - شهیدان - خاطرات.
موضوع: شهیدان - ایران - کرمان - خاطرات
ردیف کتابخانه کنگره: ۹۵ / ۶۳ م / ۱۶۲۶ DSR
رده بندی ی‌بی: ۹۲۳ / ۰۸۱ / ۹۵۵
شماره کتابشناسی: ۹۵۱ / ۸۵۷

بی‌سروسامان دوست

خاطرات بسیجی شهید حاج حسن مصطفوی
در پرتو نقیین

مؤلف: محمد مصطفوی
ناشر: ذکر
طراح جلد: حامد مدبری
صفحه آرا: محمد صادقی
چاپ: اول / ۱۳۹۵ (سال اقتصاد مقاومتی؛ اقدام و عمل)
شمارگان: ۵۰۰ جلد
شابک: ۹۷۸ - ۶۰۰ - ۶۰۴۱ - ۸۸ - ۹
تعاون فرهنگی: ۱۲۰۰۰ تومان

مرکز پخش:

قم المقدّسه: علی اصغر مولا ۰۹۱۳۴۴۱۳۶۹۶

کرمان: سیّد مهدی موسوی ۰۹۱۳۰۷۰۴۵۲۴

هر گونه استفاده آزاد است.



فهرست مطالب

۱۹.....	دیباچه
۲۲.....	فرازهایی از مقام رفاه حضرت امام خمینی سلام الله علیه:
نظر مبارک حضرت امام خامنه‌ای مدظله العالی در باره خاطرات شهداء و دفاع مقدس:	۲۴.....
۴۱.....	مبارزات علیه طاغوت:
۴۱.....	پرهیز از جایزه‌ی حکومت جور:
۴۱.....	پرهیز از ایجاد زمینه‌ی کارگزاران طاغوت:
۴۲.....	جنبش پرچم حق:
۴۳.....	بصیرت بخشی و معرفت‌افزایی دینی و سیاسی جوانان:
۴۴.....	پخش اعلامیه‌های ضد رژیم:
۴۴.....	کار حسینی و زینبی علیهما السلام:
۴۵.....	روشن‌گری علیه توطئه‌ی تبلیغ مسیحیت:
۴۷.....	پرهیز از یارگیری اجباری:
۴۷.....	قرار و آرام نداشتن برای مبارزه با طاغوت:
۴۹.....	قطع ارتباط با روحانیت غیرانقلابی:
۵۱.....	ارتباط وظیفه‌مدار با روحانیت انقلابی:
۵۲.....	امر به معروف و اذان گفتن در وسط بازار:
۵۳.....	استفاده از تمام فرصت‌ها برای مبارزه:
۵۳.....	آتش زدن مشروب‌فروشی‌ها:
۵۴.....	مبارزه‌ی مسلحانه:



- تأمین هزینه‌ی خرید اسلحه و مواد انفجاری مبارزین: ۵۵
- تأکید بر کار فرهنگی و معرفت‌افزایی و پرهیز از اقدامات بدون شناخت و غیر شرعی: ۵۶
- زندان: ۵۹
- مقاومت و رازداری: ۵۹
- روحیه بخشیدن به دوستان هم‌رم هم‌بند: ۶۰
- در فکر انجام تکلیف: ۶۰
- ماجرای حمله‌ی ساواک به خانه: ۶۱
- ماجرای نخستین ملاقات در زندان: ۶۴
- پندسی سلول: ۶۶
- روزه‌ها، مستحیی در شدت گرما: ۶۶
- رعایت واجب و حرام در سخت‌ترین شرایط: ۶۷
- پدرم را شناختم: ۶۷
- هدیه به فرزندان: ۶۸
- فقط زینب: ۶۹
- هدیه به همسر: ۶۹
- لباس‌های خونین: ۷۰
- آمادگی برای روزهای سخت‌تر: ۷۱
- در خدمت دوستان هم‌رم هم‌بند: ۷۱
- ماجرای عفونامه: ۷۲
- برای مرگ آماده‌ام: ۷۳
- روحیه‌ی خیلی خوب: ۷۴
- بهانه برای دست‌گیری همسر: ۷۵
- حکم اعدام: ۷۵
- جود و سخا در سخت‌ترین شرایط: ۷۶
- سختی‌های ملاقات در زندان: ۷۷
- آب خنک: ۷۹
- بند تنگ و کوچک: ۷۹
- شریک ساختن دیگران در هدایا: ۸۰

- ۸۰.....هم‌بند کمونیست:
- ۸۱.....توصیه به صبر و استقامت و تربیت بچه‌ها:
- ۸۲.....پس دادن عیدی:
- ۸۲.....فرار از تشریفات:
- ۸۴.....هنر پایداری و انقلابی ماندن:
- ۸۶.....زهد راستین:
- ۸۷.....التیام بخشی ولایت:
- ۸۷.....ضرورت استحکام ایمان:
- ۹۰.....اخلاص:
- ۹۳.....جهاد سازندگی:
- ۹۳.....بیش‌ترین به‌هر دلیلی با کم‌ترین امکانات:
- ۹۴.....امتیاز قاتل نشدن برادران و خانواده‌ی خود:
- ۹۵.....وجدان کاری:
- ۹۶.....حساسیت نسبت به بیت‌المان:
- ۹۸.....در دسترس بودن و نظارت مستمر بر حواله‌ی خدمت امر:
- ۹۹.....رفق و مدارا در شرائط مختلف:
- ۱۰۰.....مدیر کارگر:
- ۱۰۰.....تشویق و ترغیب دیگران به خدمت:
- ۱۰۱.....تلاش خستگی‌ناپذیر:
- ۱۰۳.....جبهه‌گردستان:
- ۱۰۳.....گم‌نام:
- ۱۰۴.....مخلص:
- ۱۰۵.....پایگاه مقاومت بسیج:
- ۱۰۵.....ترجیح آسایش و امنیت مردم بر خواب و راحت خود:
- ۱۰۹.....ستاد رسیدگی به امور جنگ‌زدگان:
- ۱۰۹.....خدمت تمام‌عیار:
- ۱۱۰.....مقدم داشتن واجب بر مستحب:





- ۱۱۱ قائل نبودن شأنی برای خود جز بندگی و خدمت به عبادالله:
 ۱۱۱ در پی انجام وظیفه:
 ۱۱۳ **جبهه و مجروحیت:**
 ۱۱۳ التماس دعاء برای شهادت:
 ۱۱۴ کیفیت مجروحیت:
 ۱۱۶ التیام بخشی تلاوت قرآن کریم:
 ۱۱۷ قوت روح و جسم:
 ۱۱۸ پدرم را شناختم:
 ۱۲۰ تمیز از آخ و ناله:
 ۱۲۱ غافل نشدن از دشمنی آمریکا:
 ۱۲۱ تواضع و نفی سکنی:
 ۱۲۲ شدت درد:
 ۱۲۳ شاد نمودن برزنیان:
 ۱۲۴ نماز اول وقت:
 ۱۲۴ ملحفه‌های پر شن:
 ۱۲۵ غبطه به شهید علی اصغر مولا:
 ۱۲۷ فقط تقوا:
 ۱۲۸ خواهش از همسر:
 ۱۲۸ پیام رتیل:
 ۱۲۹ عیادت مجروح از مجروحین:
 ۱۲۹ بدون منت و چشم‌داشت و توقع:
 ۱۳۰ پخت نان برای جبهه:
 ۱۳۱ تهجد و شب‌زنده‌داری:
 ۱۳۱ الگوی خدمت:
 ۱۳۲ کتمان مجروحیت:
 ۱۳۲ اجازه از مافوق:
 ۱۳۳ بازگشت به جبهه:
 ۱۳۵ **جبهه و شهادت:**

- ۱۳۵..... کاری برای انقلاب نکردیم:
 ۱۳۶..... در حسرت شهادت:
 ۱۳۷..... جلب رضایت خانواده:
 ۱۳۸..... مقدم دانستن جبهه بر حج:
 ۱۳۹..... پرهیز از ریاست طلبی و انتخاب شهادت:
 ۱۴۰..... انسان، در هر وقت وظیفه‌ای دارد:
 ۱۴۰..... جواب حضرت زهراء علیها السلام:
 ۱۴۱..... خجالت از مادران شهداء:
 ۱۴۲..... دیگر راضی نیستم نذر کنید:
 ۱۴۳..... لبیک یا خمینی:
 ۱۴۶..... قاطعیت در انجام وظیفه:
 ۱۴۷..... شب قبل از اعتراف:
 ۱۴۷..... قول شفاعت:
 ۱۴۸..... وداع آخر:
 ۱۵۰..... مهر پدری:
 ۱۵۰..... رزمی و فرهنگی:
 ۱۵۱..... شجاعت:
 ۱۵۲..... شهادت بعد از یاری اسلام:
 ۱۵۳..... عاشقان شهادت:
 ۱۵۵..... گریه بر سید الشهداء علیهم السلام:
 ۱۵۸..... توجه به مسؤولیت سنگین امامت جماعت:
 ۱۵۸..... نماز شب:
 ۱۶۰..... کتاب و کتابخوانی و کتابخانه‌ی سیار:
 ۱۶۲..... اقدام سنجیده و قاطع:
 ۱۶۳..... جلوگیری از اسراف در همه‌ی شرائط:
 ۱۶۵..... خدمت به رزمندگان:
 ۱۶۶..... دعاء و قرآن و ذکر:
 ۱۶۶..... دل‌کندن از همسر جوان و پنج فرزند:
 ۱۶۸..... وصیت طلبگی پسران:





- دائم الوضوء در همه‌ی شرائط: ۱۷۰
- آسان گرفتن دنیا: ۱۷۱
- پرهیز از نازپروری: ۱۷۲
- آخرین نماز شب: ۱۷۳
- آغاز عملیات بدر: ۱۷۵
- احتیاط شرعی در شرائط جنگی: ۱۷۸
- پرهیز از جو‌زدگی و شتاب‌زدگی: ۱۷۹
- پرهیز از کارهای نامتعارف نفسانی و امور خارج از توان: ۱۸۱
- روحیه‌بخش رزمندگان: ۱۸۱
- اقدام سنجیده و دقیق و حساسیت نسبت به بیت‌المال: ۱۸۲
- خلیفه‌داری: ۱۸۳
- کار اقلان و به دور از احساسات محض: ۱۸۴
- او می‌دانش شهید می‌شود: ۱۸۵
- ثبت شهادت در دفتر امام زمان (علیه‌السلام): ۱۸۷
- فاستبقوا الخیرات: ۱۸۸
- بیزار از تشریفات: ۱۹۰
- وجه عندالله: ۱۹۱
- نامه‌ها و وصیت‌نامه‌ها:** ۱۹۵
- نامه به خانواده در تاریخ ۱۳۶۳/۱۱/۱۱ (چهل و یک روز قبل از مفقودالاثر شدن): ۱۹۵
- وصیت‌نامه‌ی عمومی در تاریخ ۱۳۶۳/۱۱/۲۹ (بیست و هشت روز قبل از مفقودالاثر شدن): ۱۹۹
- فرازهایی از نامه‌ی شهید در تاریخ جمعه ۱۳۶۳/۱۲/۱۰ (دوازده روز قبل از مفقودالاثر شدن): ۲۰۴
- نامه‌ی شهید در تاریخ سه‌شنبه ۱۳۶۳/۱۲/۱۴ (هشت روز قبل از مفقودالاثر شدن): ۲۰۶
- وصیت‌نامه‌ی شهید به پسران و دختران‌شان در تاریخ ۱۳۶۳/۱۲/۱۴ (هشت روز قبل از مفقودالاثر شدن): ۲۱۰
- نامه‌ی آخر شهید در تاریخ ۱۳۶۳/۱۲/۱۶ (شش روز قبل از مفقودالاثر شدن): ۲۱۶

۲۲۱.....	اخلاق شهید:
۲۲۱.....	ولایت مداری:
۲۲۸.....	انجام واجبات و ترک محرمات:
۲۲۹.....	تأکید بر اعتصام به ثقلین:
۲۳۱.....	امر به معروف و نهی از منکر:
۲۳۴.....	وظیفه شناسی:
۲۳۶.....	سفارش به پشتیبانی از نظام جمهوری اسلامی:
۲۴۵.....	پایداری شهیدپروری:
۲۴۶.....	نماز اول وقت جماعت در مسجد:
۲۴۸.....	اهمیت نماز جماعت صبح:
۲۴۹.....	نماز با حضور قلب:
۲۵۰.....	اطاعت از والدین:
۲۵۴.....	احسان به والدین:
۲۵۵.....	اهمیت نماز جمعه:
۲۵۷.....	علاقه و ارتباط با علماء دین:
۲۶۱.....	حضور در جلسات اخلاق:
۲۶۳.....	تربیت دینی فرزندان:
۲۷۲.....	گزینش دوست خوب:
۲۷۳.....	اهمیت شوهرداری، بچه داری، خانه داری و کدبانویی:
۲۷۸.....	الگوگیری بانوان از حضرت زهراء و زینب کبری علیهما السلام :
۲۷۹.....	حجاب و عفاف:
۲۸۱.....	وصیت به خداشناسی و ایمان و تقوا:
۲۸۴.....	کتاب و کتاب خوانی:
۲۸۶.....	برپایی جلسات معارف دینی:
۲۸۶.....	آموزش دین به نوجوان و جوان:
۲۹۰.....	فرزند بیش تر: مباحث پیامبر صلی الله علیه و آله :
۲۹۱.....	اقدام در راستای اقتصاد مقاومتی:
۲۹۲.....	ساده زیستی:
۲۹۴.....	وفا به عهد:





- ۲۹۵ پرهیز از رفاه‌زدگی:
- ۳۰۰ ضرورت خرید جنس ایرانی:
- ۳۰۱ قناعت:
- ۳۰۱ تولید و خودکفایی:
- ۳۰۶ پرهیز از اسراف و تبذیر:
- ۳۰۷ پرهیز از رقابت‌ها و چشم و هم‌چشمی‌های دنیوی:
- ۳۰۸ قرض‌الحسنه:
- ۳۰۹ اشتغال‌زایی:
- ۳۱۰ پرهیز از زوائد زندگی:
- ۳۱۲ زهد و بی‌رغبتی به دنیا:
- ۳۱۴ سهیل‌خون‌نیگران در مواهب و نعمت‌ها:
- ۳۱۴ پرهیز از تن‌پروری:
- ۳۱۵ خدمت به محبت با ایثار:
- ۳۱۹ خدمت به مستضعفان:
- ۳۲۵ هم‌دردی با فقراء و مستضعفان:
- ۳۲۵ ترویج ازدواج آسان:
- ۳۲۶ دقت در اداء خمس:
- ۳۲۷ شکر نعمت:
- ۳۲۸ پرهیز از تبعض و پارتی‌بازی و ویژه‌خواری:
- ۳۲۹ پرهیز از احتکار:
- ۳۲۹ پرهیز از تشریفات:
- ۳۳۱ واقع‌نگری:
- ۳۳۲ قاطع و انقلابی و متفکر از سازش‌کاری:
- ۳۳۵ کار جمعی منظم و تشکیلاتی:
- ۳۳۶ تفقد و دل‌جویی از خانواده‌ی شهداء:
- ۳۳۸ خدمت به مؤمنین:
- ۳۴۰ سوارنمودن پیادگان:
- ۳۴۰ مایه گذاشتن از آبرو:
- ۳۴۱ دقت در اداء حق الناس:

۳۴۳.....	صداقت در تجارت:
۳۴۵.....	اکرام فقراء:
۳۴۶.....	پرهیز از ظاهربینی و خودبرتربینی:
۳۴۸.....	یاری ضعیفان و درماندگان:
۳۴۹.....	تواضع و محبت:
۳۵۰.....	غیرت:
۳۵۱.....	پرهیز از انتشار گناه:
۳۵۲.....	پرهیز از خودرأیی و تعصب:
۳۵۲.....	پرهیز از نگاه به نامحرم:
۳۵۷.....	دغدغه‌های عاقبت به خیری:
۳۵۸.....	انصاف در آسایش:
۳۵۹.....	پرهیز از معطل کردن منار:
۳۵۹.....	اقامه‌ی دعاء:
۳۶۰.....	کمک به همسر:
۳۶۱.....	زن دوستی:
۳۶۲.....	خانواده دوستی:
۳۶۸.....	وصیت به اتحاد فرزندان:
۳۶۹.....	خدمت و محبت به مادرزن و پدرزن:
۳۷۱.....	محبت به بستگان:
۳۷۲.....	وساطت برای ازدواج:
۳۷۲.....	اصلاح ذات‌الین:
۳۷۴.....	مهار خشم و عفو:
۳۷۵.....	خاموشی و گزیده‌گویی:
۳۷۷.....	پرهیز از درخواست از دیگران و دستور دادن:
۳۷۹.....	درمان افسردگی:
۳۸۰.....	حلم و بردباری:
۳۸۲.....	خودجوش و پرتحرک:
۳۸۳.....	صداقت:
۳۸۴.....	تراکت و عفت کلام:





- ۳۸۵ خوش همسایگی:
- ۳۸۸ ادب و تکریم مؤمنین:
- ۳۸۹ اُبْهت و نفوذ کلام:
- ۳۹۱ امداد و نجات زلزله‌زدگان:
- ۳۹۱ تنبّه بخشیدن به بی تفاوت‌ها:
- ۳۹۲ مبارزه با ترس:
- ۳۹۳ شهرت‌گریزی:
- ۳۹۴ صبر و مقاومت:
- ۳۹۵ صلای رحم:
- ۴۰۰ سلی بخش:
- ۴۰۱ حَتّٰی تَنَّتْ اَمَّا تَحْبُوْنَ:
- ۴۰۲ انس با معنیات:
- ۴۰۳ دغدغای مرثیات:
- ۴۰۴ احیاء شب‌های ماه مبارک:
- ۴۰۶ بهترین هدیه:
- ۴۰۶ خوش اخلاقی در عین خستگی:
- ۴۰۷ مهمان‌نوازی:
- ۴۰۸ مبارزه با رسوم غلط:
- ۴۱۱ محبوب دل‌ها:
- ۴۱۲ عاشق طلبگی:
- ۴۱۵ ایثار:
- ۴۱۶ رعایت اعتدال و پرهیز از افراط و تفریط:
- ۴۱۷ گفتار ملایم:
- ۴۱۷ پرهیز از غضب برای امور شخصی:
- ۴۱۸ پرهیز از شادی در نزد اندوهگین:
- ۴۱۹ لزوم طوع و رغبت در اعمال صالح:
- ۴۲۰ موعظه و خیرخواهی:
- ۴۲۱ انجام مستحبات و ترک مکروهات:
- ۴۲۳ در آرزوی کربلا:

- ۴۲۳..... پرهیز از مقدّس مآبی:
 ۴۲۴..... تنفر از تسامح و تساهل:
 ۴۲۶..... تشکر و قدردانی از لطف دیگران:
 ۴۲۶..... تبسم و خنده رویی:
 ۴۲۷..... مزاح و شوخی:
 ۴۲۸..... ورزش کوه نورددی:
 ۴۲۹..... پیش گیری از امراض:
 ۴۳۰..... هنر خوش نویسی:
 ۴۳۰..... پیش بینی دقیق:
 ۴۳۲..... پرهیز از دریافت جایزه‌ی حکومت جور:
 ۴۳۲..... پرهیز از ایجاد زمینه کارگزاری طاغوت:
 ۴۳۲..... بصیرت بخشی و معرفی انجایی دینی و سیاسی جوانان:
 ۴۳۲..... روشن گری علیه توطئه:
 ۴۳۲..... پرهیز از یارگیری اجباری:
 ۴۳۲..... قطع ارتباط با روحانیت غیرانقلابی:
 ۴۳۲..... ارتباط وظیفه‌مدار با روحانیت انقلابی:
 ۴۳۲..... اذان گفتن در وسط بازار:
 ۴۳۲..... استفاده از تمام فرصت‌ها:
 ۴۳۲..... تأکید بر کار فرهنگی و معرفت‌افزایی و پرهیز از اقدامات بدون شناخت
 ۴۳۲..... و غیرشرعی:
 ۴۳۲..... جود و سخا در سخت‌ترین شرائط:
 ۴۳۲..... اخلاص:
 ۴۳۲..... بیش‌ترین بهره‌برداری یا کم‌ترین امکانات:
 ۴۳۳..... امتیاز قائل نشدن برای خانواده‌ی خود:
 ۴۳۳..... وجدان کاری:
 ۴۳۳..... حساسیت نسبت به بیت‌المال:
 ۴۳۳..... در دسترس بودن و نظارت مستقیم بر حوزه‌ی تحت امر:
 ۴۳۳..... رفق و مدارا در شرائط مختلف:
 ۴۳۳..... مدیر کارگر:





- ۴۳۳ تلاش خستگی ناپذیر:
 ۴۳۳ گم‌نام:
 ۴۳۳ مقدم داشتن اهم بر مهم:
 ۴۳۳ قائل نبودن شأنی برای خود جز بندگی و خدمت به عبادالله:
 ۴۳۳ التماس دعاء برای شهادت:
 ۴۳۴ پرهیز از آخ و ناله:
 ۴۳۴ غافل نشدن از دشمنی آمریکا:
 ۴۳۴ تواضع و نفس شکنی:
 ۴۳۴ فقط تقوا:
 ۴۳۴ عیادت مجروح از مجروحین:
 ۴۳۴ بدون پس داشت و توقع:
 ۴۳۴ کت آن معروحت:
 ۴۳۴ اجازه از مادر:
 ۴۳۴ کاری برای انقلاب نکردیم:
 ۴۳۴ در حسرت شهادت:
 ۴۳۴ مقدم دانستن جبهه بر
 ۴۳۴ پرهیز از ریاست طلبی و انتخاب شهادت:
 ۴۳۵ خجالت از مادران شهداء:
 ۴۳۵ قاطعیت در تصمیم گیری:
 ۴۳۵ شجاعت:
 ۴۳۵ گریه بر سید الشهداء علیهم السلام:
 ۴۳۵ نماز شب:
 ۴۳۵ اقدام سنجیده و قاطع:
 ۴۳۵ دعاء و قرآن و ذکر:
 ۴۳۵ دل کندن از همسر جوان و پنج فرزند:
 ۴۳۵ دائم الوضوء در همه‌ی شرائط:
 ۴۳۵ آسان گرفتن دنیا:
 ۴۳۵ پرهیز از ناز پروری:
 ۴۳۵ احتیاط شرعی در شرائط جنگی:

- ۴۳۶.....: پرہیز از جوّزدگی و شتابزدگی
 ۴۳۶.....: پرہیز از کارهای نامتعارف نفسانی و امور خارج از توان
 ۴۳۶.....: اقدام سنجیده و دقیق
 ۴۳۶.....: کار عاقلانه و به دور از احساسات محض
 آخرین پیام عرفانی حضرت امام خمینی سلام اللہ علیہ بہ مناسبت ہفتہی دفاع
 ۴۳۶.....: مقدّس
 ۴۳۷.....: علائم محبّ خدا
 ۴۳۹.....: پرواز





دیباچه

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

الحمد لله رب العالمين، صَلَّى اللهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّاهِرِينَ وَ لَا سَيِّمًا وَلِيَّ
اللهِ الاعظم صاحب الزمان عليه السلام و اللّٰعَنَ عَلَى اَعْدَائِهِمْ اَجْمَعِينَ
وَ قُلْ رَبِّ اَدْخِلْنِيْ مُدْخَلَ صِدِّيقٍ وَاَخْرِجْنِيْ مَخْرَجَ صِدِّيقٍ وَ اجْعَلْ لِيْ مِنْ
لَّدُنْكَ سُلْطٰنًا نَّصِيْرًا.^۱

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: عِنْدَ ذِكْرِ الصَّالِحِينَ يَنْزِلُ الرَّحْمَةُ.^۲

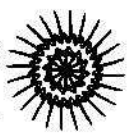
در هنگام یاد صالحان، رحمت نازل می شود.

شهیدان، متمسکان و اقمار خورشید ثقلین - قرائت کرم و عترت
طاهره علیهم السلام - هستند و نورشان از آن منبع قیاض و جوشان است. حضرت
امام باقر علیه السلام فرموده اند: «شَرِّقًا وَ غَرِبًا لَّنْ نَّجِدَا عِلْمًا صَحِيحًا إِلَّا سَبِيْنًا كُنْ مِنْ
عِنْدِنَا أَهْلَ الْبَيْتِ.»^۳ شرق و غرب را در نوردید؛ ابداً علم و دانش درستی را
نمی یابید، مگر همان چیزی که از نزد ما اهل بیت صادر می شود.

۱ سوره ی مبارکه ی اسراء آیه ی شریفه ی ۸۰

۲ بحار الانوار ج ۹۰ ص ۳۴۹

۳ بصائر الدرجات فی فضائل آل محمد علیهم السلام ج ۱ ص ۱۰



بنا بر این در این کتاب، ستارگان خاطرات شهید مصطفوی، تحت الشعاع خورشید فروزان ثقلین قرار گرفته است و به فضل الهی به وصیت آن شهید به فرزندان عمل شده است:

«همواره قرآن بخوانید و سعی کنید تا ترجمه آن را یاد بگیرید و از تفسیر قرآن نیز بهره ببرید. خلاصه از قرآن، زیاد بهره بگیرید و عامل باشید به آن و در زندگی روزمره خود، قرآن را پیاده کنید ان شاء الله. دست از دامن محمد (ص) و آل اطهارش ائمه معصومین (ع) بر دارید؛ که کتاب خدا - قرآن - و پیغمبر (ص) و امامان (ع) با هم هستند که می‌ترانند شما و تمام انسان‌ها را از ضلالت و گمراهی و جهل و کسالت نجات دهند و شما و تمام انسان‌ها را به سعادت و به راه نجات واقعی و دنیا و آخرت برسانند.

... باز یاد آور می‌شوم که به قرآن و پیغمبر و امامان (ع) تمسک جوئید (به آن‌ها چنگ بزنید و از آن‌ها غافل نشوید).

وصف شهید مصطفوی در یک کلمه: «ولایت‌مدار»
ولایت‌مداری عملی - و نه فقط شعاری - ه‌ن‌ن‌ه سنگینی دارد که آن شهید به لطف الهی از عهده‌اش بر آمد.

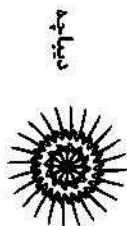
فهرستی اجمالی از جلوه‌های ولایت‌مداری شهید، قبل و بعد از انقلاب اسلامی (که عصاره حیات طیه اوست در این کتاب، خاطراتی پیرامون آن‌ها ذکر شده است):

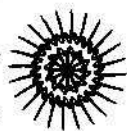
الف) قبل از انقلاب:

- ۱) نپذیرفتن جایزه حکومت جور در مسابقه موتور سواری
- ۲) امتناع از اخذ مدرک دیپلم برای ورود به دستگاه طاغوت

- (۳) برپایی جلسات بصیرت بخشی و معرفت افزایی دینی و سیاسی جوانان
 - (۴) افشاگری و پخش اعلامیه های ضد رژیم
 - (۵) اقدامات روشن گرانه علیه تبلیغات مرموز مسیحیت در کرمان
 - (۶) برپایی جلسات ضد رژیم طاغوت
 - (۷) سعی در خشکاندن منابع فساد و فحشاء
 - (۸) قطع ارتباط با روحانیت غیرانقلابی و ارتباط وظیفه مدار با روحانیت انقلابی
 - (۹) امر به معروف و نهی از منکر شجاعانه و طنین افکندن بانگ اذان در وسط بازار
 - (۱۰) آتش زدن شراب فروش ها
 - (۱۱) مبارزه مسلحانه با رژیم طاغوت
 - (۱۲) تأمین پول خرید اسلحه و سواغ انفجاری مبارزین
 - (۱۳) دست گیری توسط ساواک و حکومت تا سرحد اعدام و تحمل زندان و شکنجه تا طلوع پیروزی انقلاب
- (ب) بعد از انقلاب:

- (۱۴) قبول مسئولیت در جهاد سازندگی در راستای خدمت به مستضعفین و عمران مناطق محروم
- (۱۵) حضور در جبهه کردستان با شروع فتنه و غائله ضد انقلاب
- (۱۶) قبول مسئولیت در ستاد رسیدگی به امور جنگ زدگان
- (۱۷) عضویت در حزب جمهوری اسلامی (تحت اشراف بزرگان هم چون حضرت امام خامنه ای ارواحنا فداه و شهید بهشتی) و قبول نمایندگی روزنامه جمهوری اسلامی در استان کرمان





۱۸) حضور در جبهه‌های جنوب و مجروحیت در عملیات رمضان
 ۱۹) حضور همیشگی در صحنه‌های انقلاب نظیر: پشتیبانی جبهه‌ها،
 نماز جمعه، راه‌پیمایی، انتخابات، تجمعات و همایش‌های سیاسی -
 اجتماعی، آگاهی‌بخشی دینی و سیاسی به مردم، اقدام در راستای
 اقتصاد مقاومتی، عیادت از مجروحین، تشییع جنازه شهداء، تفقد از
 خانواده‌های شهداء و ...

۲۰) مفتخر شدن به درجه والای مفقودالائری در عملیات بدر.
 ضمن تشکر و قدردانی از حجج اسلام: شیخ روح الله مصطفوی و
 شیخ محمد حسن مولا و سرکار خانم بصیرت و نیز راویان متعهد و
 بزرگوار این کتاب از همه عزیزانی که خاطره‌ای از شهید حاج
 حسن مصطفوی را گنجینه دل دارند خواهشمندیم با تماس تلفنی، ما
 را در انجام رسالت انقلاب مان یاری نمایند: علی اصغر مولا
 ۰۹۱۳۴۴۱۳۶۹۶

فرازهایی از پیام عرفانی حضرت امام خمینی سلام الله علیه:
 «... ماها و نویسندگان و گویندگان و سازندگان اگر بخواهیم
 ارزش عمل این شهیدان و جانبازان راه خدا را بشماریم و کاری آنان و
 حجم پی‌آمد این شهادت‌ها و جان‌نثاری‌ها را بشماریم، شاید ناچار
 باشیم به عجز خود اعتراف کنیم تا چه رسد به مراتب معوی و مسائل
 انسانی و الهی آن که بی‌شک عاجز و وامانده می‌باشیم!

آنان که از این گونه عشق به لقاء الله و شهادت و بارقه‌های باطنی و
 جلوه‌های روحی - که از ثمرات‌شان این گونه عشق است - غافل هستند
 و تا آخر عمر - چون من قلم شکسته - اسیر گره‌های طبیعت و دام‌های

شیطانی می‌باشند، دست‌شان از قلّه بلند این تحولات معجزه‌آسای الهی کوتاه است. ...

این پیروزی معنوی و مادی، مرهون اسلامی بودن انقلاب و مردمی بودن و توجّه مردم به اسلام و تحوّل روحی عظیمی است که خداوند در این ملت، معجزه‌آسا ایجاد فرمود.

از آن جمله، این جوانان بسیار عزیز در سطح کشورند که ناگهان با یک هوش برق‌آسای معنوی و روحی با دست رحمت حقّ تعالی از منجلائی که برای آنان با دست پلید استکبار جهانی که از آستین امثال رضا خان و محمد رضا خان و دیگر سرسپردگان غرب یا شرق تهیه دیده بودند نجات یافتند. یک شبه ره صد ساله را پیمودند و آنچه عارفان و شاعران عارف‌پیش در سالیان دراز آرزوی آن را می‌کردند، اینان ناگهان به دست آوردند و عشق به لقاء الله را از حدّ شعار به عمل رسانده و آرزوی شهادت را با کمال جبهه‌های دفاع از اسلام عزیز به ثبت رساندند و این تحوّل عظیم معنوی با این سرعت بی‌سابقه را جز به عنایت پروردگار مهربان و عاشق‌پرور نتوان توجّه کرد.

۴۶



۲۳

این جانب هنگامی که این جوانان عزیز در عنفوان شباب را که با گریه از من عقب‌مانده تقاضای دعا برای شهادت می‌کنند مشاهده می‌کنم، از خود مأیوس و از آنان شرمنده می‌شوم و هنگامی که عکس‌های متعدّد این شهیدان نورس نورانی را می‌نگرم و ارزش‌های انسانی و مقامات الهی آنان - که خود از آن‌ها به مرحله‌هایی دور هستم - غبطه می‌خورم و چون به مادران و پدران این جوانان و نوجوانان شهید برخورد می‌کنم و آن شجاعت‌ها و شهامت‌های فوق‌تصوّر را از آنان مشاهده می‌کنم، احساس حقارت نموده به پیشگاه پیامبر بزرگ



اسلام صلی الله علیه و آله و سلم و حضرت بقیة الله روحی لمقدمه
الفداء به خاطر چنین امتی و پیروانی متعهد و مجاهد تبریک عرض
می‌کنم و از خداوند تعالی - ولی نعمت و حافظ امت - سپاس گزارم.

امروز اسلام بزرگ، نتیجه آن اشارها و شهادت‌ها را می‌بیند که
دنیا در مقابل آن با همه تبلیغات گمراه‌کننده و کارشکنی‌های بی‌حد
و حصرش ناچار است سر تعظیم فرود آورد و این نسیمی است که از
نبویات اسلام در این کشور مظلوم در طول ستم‌شاهی وزیدن
گرفته است و امید از الطاف خداوند منان است که این نسیم الهی را
افزایش دهد و آن را به همه کشورهای ستم‌دیده و در بند مرحمت
فرماید.

**نظر مبارک حضرت امام - امنه‌ای مدظله العالی در باره خاطرات
شهداء و دفاع مقدس:**

«یاد شهیدان و نام شهیدان گمنام نخواهد شد، گم نخواهد شد. علت
هم این است که خدای متعال فرموده است: «أَحْيَاءٌ عِنْدَ رَبِّهِمْ»^۱ ...
یاد شهداء زنده است و باید هم این بقای نام و یاد شهداء را ما به
صورت یک امر مهم دنبال کنیم؛ چون شهیدان حامل بشارت‌اند: "و
يَسْتَبْشِرُونَ بِالَّذِينَ لَمْ يَلْحَقُوا بِهِمْ مِنْ خَلْفِهِمْ أَلَّا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ"^۲
شهیدان به ما می‌گویند: شما خوف و حزن نداشته باشید. دل سردی و
نومیدی نداشته باشید. نعمت الهی را، لطف الهی را، برکات الهی را در

۱ در تاریخ ۲۱ بهمن ۱۳۶۱ صحیفه‌ی امام، ج ۱۷ ص ۳۰۳

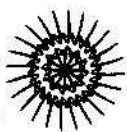
۲ سوره‌ی مبارکه‌ی آل عمران علی نبینا و آله و علیهم السلام آیه‌ی شریفه‌ی ۱۶۹

۳ سوره‌ی مبارکه‌ی آل عمران علی نبینا و آله و علیهم السلام آیه‌ی شریفه‌ی ۱۷۰

مقابل چشم ما نگه می دارند و این آن چیزی است که ما امروز به آن احتیاج داریم.

امروز هدف جنگ نرم دشمن و جنگ پنهان دشمن، این است که مردم را از عرصه جهاد و مقاومت دور کند، مردم را نسبت به آرمان‌ها بی تفاوت کند؛ هدف‌شان این است. تبلیغات وسیعی که میلیاردها دارند خرجش می کنند، با این هدف انجام می گیرد که ملت ایران را - که با مقاومت خود، با ایستادگی خود توانسته قدرت‌های جهانی را، سلطه‌های بزرگ را در بسیاری از خواسته‌هایشان ناکام بگذارد - مأیوس کنند و از صحنه خارج کنند؛ هدف این است. حتی اگر فشار اقتصادی هم می آورند هدف این است؛ اگر فشار سیاسی هم می آورند، هدف این است؛ کم فشار امنیتی هم می آورند، هدف این است. این که ما خیال کنیم دشمن که جنگی را می خواهد شروع کند و یک بخشی از کشور را تصرف کند، این‌ها یک چیزهای قدیمی‌ای است؛ امروز این‌ها مطرح نیست و دشمن این را نمی خواهد. امروز دشمن اگر هم به فرض، یک کار نظامی را انجام می دهد، با آن هدف است؛ با هدف تصرف فضای فکری و روحی کشور است؛ کار اقتصادی می کنند به این تئیت است؛ کار امنیتی می کنند، کار روانی می کنند، از فضای مجازی استفاده می کنند، از ماهواره استفاده می کنند، از رادیوها و تلویزیون‌ها استفاده می کنند، از مبلغان دهان‌به‌مزد و سخن‌به‌مزد در اطراف دنیا استفاده می کنند، همه با این هدف است. خوب، در یک چنین شرایطی آن چیزی که می تواند ملت را سر پا نگه دارد، در آن‌ها شوق و طراوت به وجود بیاورد، یاد شهداء است؛ یعنی از جمله عوامل مهم، یاد شهداء است؛ لذا است که





مسأله یادبود شهداء و این کنگره‌های بزرگی که برای شهداء تشکیل می‌شود، خیلی مهم است؛ این‌ها خیلی باارزش است. ...

به هر حال نگاه‌بانی یاد شهداء امروز یک وظیفه است. ...

ما در بیان زندگی‌نامه شهیدان سعی کنیم خصوصیات زندگی این‌ها و سبک زندگی این‌ها و چگونگی مشی زندگی این‌ها را تبیین کنیم، این مهم است.

خوب، هیجان جنگ و رفتن در میدان جنگ یک مسأله است که چرا باارزشی است که کسانی جان‌شان را کف دست بگیرند و بروند بجنگند بحر حیات، خصوصیات زندگی، سابقه و پشتوانه فکری و اعتقادی شخصیت یک مسأله دیگری است که این خیلی مهم است.

این شهیدان که شما از یاد او و فداکاری او و شهادت او در میدان جنگ به هیجان می‌آید در داخل زندگی خانوادگی چه جوری مشی می‌کرده، در محیط عادی زندگی چه جوری عمل می‌کرده؛ این‌ها خیلی مهم است؛ یا نسبت به مسائل که امروز برای ما مهم است، این‌ها چه جوری عمل می‌کرده‌اند.

فرض بفرمایید که ما امروز در مورد اسراب، در مورد تعرض و تجاوز به اموال بیت‌المال، در باره اشراقی گری حساسیت نشان می‌دهیم، یعنی چیزهایی است که امروز برای مجموعه امروز جامعه ما مسائل مهمی است، مسائل مطرحی است؛ این شهدای عزیز ما آن روزی که زنده بودند و زندگی می‌کردند در داخل شهرهای‌شان، در داخل خانواده‌های‌شان، نسبت به این قضایا چه جوری بودند؟

تلویزیون یک برنامه‌ای را دیروز پریروزها پخش می‌کرد از بعضی از شهداء که بنده تصادفاً چند دقیقه‌ای دیدم؛ آن‌چه در باره آن

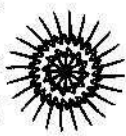
شهیدان گفته می‌شد، یا در وصیت‌نامه آن شهیدان درج شده بود، انسان را واقعاً از عظمت روحی این شهید متحیر می‌کند؛ می‌گوید من درس خواندم و می‌ترسم که این درس خواندن من - که خرجی برایش شده و هزینه‌ای شده - تحمیل بر بیت‌المال بوده و این به گردن من باشد؛ وقتی که من شهید شدم موتور گازی من را بفروشید، پول‌های بانک من را بگیرید، بروید بدهید به بیت‌المال به جای آن! این‌ها درس است؛ این‌ها درس است.

وضع عادی زندگی کردن شهداء چه جوری بوده؟ فرض بفرمایید ازدواج‌شان؛ در این طرقات شهداء که زندگی‌نامه شهداء [است] - حالا تا آن مقداری که بشناسید و خوانده‌ام و نگاه کرده‌ام - در چند مورد بحث ازدواج این‌ها مطرح می‌شود؛ چگونگی ازدواج این‌ها، رفتار این‌ها در گزینش همسر، دنیا چه جور همسری بودند - بعد مراسم ازدواج، بعد نوع رفتار با خانواده، این‌ها همه قله‌های اخلاق اسلامی است. امروز ما گرفتاریم؛ ما امروز به این چیزها احتیاج داریم. امروز جوان ما برای ازدواج، برای گزینش همسر چه جور فکر می‌کند و چه جوری باید فکر کند؟ آن الگو را باید در مقابل او نگه داشت؛ این‌ها الگو هستند، شهدای ما الگو هستند...

این‌ها را برجسته کنید؛ سیمای منور این‌ها را درست در مقابل چشم جوان‌ها نگه دارید...

بیان آن چه این‌ها در زندگی‌شان عمل می‌کردند، چه جوری عمل می‌کردند، چه جوری رفتار می‌کردند، چه جوری خرج می‌کردند، به وظیفه چه جوری نگاه می‌کردند، این یکی از آن مسائل بسیار مهمی است که می‌تواند الگوسازی کند.





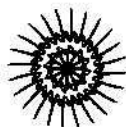
هنرمندان ما بیایند به میدان، هنر نگارش، هنر تصویرسازی متنی و کتابی، این‌ها خیلی چیز مهمی است. فقط دنبال فیلم [نباشند]؛ فیلم خوب است، فیلم خیلی لازم است، بنده بارها هم تکیه کردم و توصیه کردم، الان هم توصیه می‌کنم، لکن این تکیه روی فیلم ما را از کتاب غافل نکند. اگر چنان‌چه افرادی که اهل نگارش‌اند، اهل قلم خوب هستند، اهل ذوق در این معانی هستند، بنشینند تصویرسازی کنند، کتاب‌هایی کوتاه که جوان حوصله کند بخواند، این‌ها را بسازند، کتاب تولید کنند؛ لازم نیست اغراق بکنند، لازم نیست خلاف واقع بگویند، همان که هست را به درستی بیان کنند، به زیبایی و شیوایی بیان بکنند؛ این‌ها را جذب خواهد کرد؛ افراد را تحت تأثیر قرار می‌دهد.

بنابراین، این یک یک است که ما زندگی شهیدان را، سبک زندگی شهیدان را، برای جوانان همان‌مان، برای نسل‌های رو به آینده‌مان تصویر کنیم، ترسیم کنیم، به آنها نشان بدهیم که ببینند چه بود و چه شد؛ چون جنگ تحمیلی که در واقع روافع مقدّس بود، این یک چیز کوچکی نبود؛ ما هنوز هم بعد از گذشت سال‌ها ابعاد مهمّ این جنگ را درست نتوانستیم برای مخاطبین خودمان تشریح کنیم! یک جنگ بین‌المللی بود، یک جنگ بین‌الملل بود علیه اسلام، علیه حاکمیت اسلام، علیه امام بزرگوار؛ یک جنگ این‌جوری بود؛ حالا قلّه آن و به اصطلاح سر نیزه را آن بدبخت بی‌عقل بعثی صدام قرار داده بودند و آلا پشت سر او، عقبه او دیگران بودند؛ کسانی که به او کمک می‌کردند، کسانی که به او راه نشان می‌دادند، کسانی که وسایل کار او را برایش فراهم می‌کردند؛ اگر یک وقتی هم احتمالاً سست می‌شد،

تقویتش می کردند که نگذارند [ضعیف شود]؛ ما با یک چنین جنگی مواجه بودیم. این هایی که توانستند کشور را از یک چنین بلیه ای نجات بدهند، چه کسانی بودند؟ این برای جوان امروز ما مهم است. این ها چه کسانی بودند که توانستند کشور را نجات بدهند و در وسط میدان بروند؟ این ها مهم است. بنابراین این یک نکته است که بایستی رفتارشناسی این جوان ها برای مخاطبین امروز روشن باشد.

یک سؤال دیگر بحث آرمان های این ها است. خوب، آرمان جوان ها چه بود؟ این هایی که رفتند جنگیدند با چه اهداف بلندی رفتند جنگیدن؟ آیا ساله فقط یک جنگ ارضی و مرزی و مانند این ها بود که دشمنان مرزهای ما شده و ما می خواهیم دشمن را عقب بزنیم؟ فقط این بود؟ آرمان پدر و مادرها چه بود؟ این پدر و مادری که این جوان را تربیت کرده حاضر نیست یک خار به پای این جوانش برود، حاضر نیست این جوان را یک بیماری پیدا کند، این جوان را همین طور می فرستد به طرف جبهه، روحانی که خیلی مطمئن نیست که او برخورد گشت؛ این خیلی مهم است. این پدر و مادرها با چه آرمانی این جوان را فرستادند؟ این ها مهم است. به این ها توجه کنید؛ خیلی ها سعی می کنند این ها را مکتوم نگه دارند!

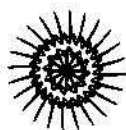
آرمان شان اسلام بود، آرمان شان خدا بود، آرمان شان حکومت دینی و اسلامی بود؛ این بود که این جوان را می کشاند می برد جبهه. کسی که باور ندارد، وصیت نامه ها را نگاه کند؛ این که امام بزرگوار توصیه می کردند که پنجاه سال عبادت کردید خدا قبول کند، بروید یک بار هم این وصیت نامه ها را بخوانید؛ این به خاطر این است که این وصیت نامه نشان می دهد که این جوان برای چه آمده؛ چه



جاذبه‌ای، چه مغناطیسی او را حرکت داده؛ از هوس‌های جوانی بگذرد، از درسش بگذرد، از دانشگاهش بگذرد، از محیط راحت زندگی کنار پدر و مادر بگذرد، بیاید در سرمای منطقه غرب یا گرمای منطقه خوزستان، آن‌جا با دشمن بجنگد و جانش را کف دستش بگیرد! جنگیدن با دشمن هم از دور یک چیز آسانی به نظر می‌آید؛ تا کسی نرود آن‌جا، صدای توپ و تفنگ و انفجار و مانند این‌ها را نبیند و نشنود، درست درک نمی‌کند که چه خبر است. این جوان پا می‌شرد می‌رود آن‌جا، جانش را کف دستش می‌گیرد، از خطرناک عبور می‌کند، برای چه؟

این برویست‌نامه‌ها منعکس است؛ برای خدا، برای امام، برای حجاب. دیدن برویست‌نامه‌های شهداء چه قدر در باره حجاب توصیه شده؛ خوب، حجاب یک حکم دینی است؛ این آرمان شهیدان فراموش نشود. ...

در درجه اول بروید سراغ پدر و مادرهایی که هستند و همسران شهداء - آن کسانی که همسر داشتند - یا برادران و خواهران؛ آن‌هایی که برادر و خواهر دارند. از آن‌ها راجع به شهید، راجع به خُلقیات شهید، راجع به روحیات شهید پرسید و این‌ها را در اختیار نسل جوان بگذارید.



در این کنگره‌ها و این اجتماعات، کارهای خوبی واقعاً انجام می‌گیرد. بعضی از این کارها کارهای چشم‌نواز است که خوب، خوب است، کارهای چشم‌نواز لازم است. نام مبارک شهداء، عکس‌های شان، تصویرهای شان، بعضی از کلمات شان در بعضی از خیابان‌ها یا معابری که انسان حرکت می‌کند، چشم‌نواز و لازم

است؛ لکن از این مهم‌تر، آن مسائل محتوایی است. سعی بشود جنبه‌های محتوایی و تربیتی و هدایتی این یادواره‌ها تقویت بشود....

ان شاء الله که خداوند همه شماها را موفق بدارد. و امیدواریم که خداوند ما را هم به این فیض نائل کند که بتوانیم واقعاً بفهمیم مرتبت شهداء و منزلت شهداء را. و جامعه ما را ان شاء الله جامعه شهدایی کند که اگر این‌شد، ان شاء الله دنیا و آخرت برای کشور ما و مردم ما و جامعه ما تأمین خواهد شد.^۱

«هریک از این ستارگان درخشان، می‌تواند عالمی را روشن کند. بنابراین، حقیقت سواد حقیقت عظیمی است!

اگر این حقیقت، بدرسیم، دانی که امروز در قبال شهیدان مسؤولیت دارند، زنده بماند، حفظ و نقل‌یس گردد و بزرگ نگاه داشته شود، همیشه تاریخ آینده ما از این ایشار بزرگی که آنان کردند، بهره خواهد برد. هم‌چنان که تاریخ بشریت، هنوز از خون به ناحق ریخته سرور شهیدان تاریخ، حضرت ابی عبد الله الحسین علیه الصلوة والسلام بهره می‌برد؛ چون کسانی که وارث آن خون بودند، مدبرانه‌ترین و شیواترین روش‌ها را برای زنده نگه‌داشتن آن خون، کار بردند.

گاهی رنج و زحمت زنده نگه‌داشتن خون شهید، از خود شهادت کم‌تر نیست...»^۲





«عزت و استقلال امروز کشور و حرکت آن به سوی شکوفایی و کمال، یکسره باید مرهون خون شهیدان شمرده شود.

فداکاری این جوان‌مردان نام‌دار زمانه، گوهر فروزانی بود که توانست قدر شخصیت امام و عظمت امت را بر جهانیان آشکار کند و به مجاهدت ملت ایران معنا بخشد.

این ملت بزرگ همه قلّه‌هایی را که تا امروز فتح کرده و از این پس فتح خواهد کرد، مرهون عزم راسخ و همت بلند شهیدان است که به قیمت جان خود صخره‌هایی عظیم را از سر راه وی برداشتند. و معجز ایمان و فداکاری را به همه نشان دادند.

خفاشان پره‌دل باید بدانند که شهیدان ما هم‌چنان در دل و اندیشه ما زنده‌اند و غبار نازی و فاشیسمی آنان نخواهد توانست این ستارگان فروزان را از چشم و دل ما پوشانده بدارد...»^۱

«من یکی از مشتری‌های پر پا قرص این کتاب‌ها (خاطرات دفاع مقدس) بودم که خاطرات را نگاه کنم. و خیلی تحت تأثیر جذابیت و صداقت و خلوص این نوشته‌ها و گفته‌ها^۲ هستم.»

«این دغدغه در ذهن من است که فرهنگ جنگ و فرهنگ انقلاب و در حقیقت روحیه انقلاب، آن روحیه‌ای که در جنگ، پیدایی برای رشد و بالندگی پیدا کرده بود، از بین برود!

... آن هشت سال جنگ، بایستی تاریخ ما را تغذیه کند. ما باید از

آن‌چه در این هشت سال جنگ اتفاق افتاده، آن روحیه مقاومت، آن

۱ در تاریخ ۱۳۷۹/۱۱/۱۲

۲ در تاریخ ۱۳۸۴/۶/۳۱ (تا پایان دیباچه بر گرفته از کتاب نسیم سبز خاطره‌ها)

روحیه فداکاری همراه با اخلاص، همانی که حقیقتاً در عرصه‌های جنگ ما وجود داشت، استفاده کنیم.

... این جنگ، یک گنج است. آیا ما خواهیم توانست این گنج را استخراج کنیم یا نه؟^۱

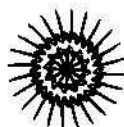
«دریغ از آن روزهای فراموش‌نشدنی! دریغ از آن ماجرای معجزه‌ناشان! دریغ از آن تجربه درس‌آموز و جان‌های پاکی که آن را شکل دادند! ... و دریغ از آن جویبار رحمت و فضل خدا که کسانی چه زیردانه و هوش‌مندانه از آن نوشیدند!

... خوشایند به حال آنان و افسوس بر جان‌های محرومی که در سرنوشت‌شان بهره‌مند از لطف بی‌حساب رقم نخورده بود!

آنان که بهره‌مند شدند به گشت و مجاهدت و موقع‌شناسی - و البته به توفیق حق - این نعمت را یافتند. ... و ما ... آیا نباید با هوش‌مندی و زیرکی، جویبار رحمت که هرگز منقطع نیست - و هر گاه به گونه‌ای و در مجرای - بشناسیم - با گشت و مجاهدت، توفیق الهی را جلب و خود را از آن سیراب سازیم؟^۲

«اعتقاد من این است که ما هر چه برای دوره دفاع مقدس سرمایه‌گذاری و کار کنیم، زیاد نیست».^۳

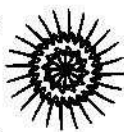
«هزاران لحظه پربار در هر روز و شب، حماسه هشت ساله است ایران است و هر که با نگاهی هنرمندانه آن‌ها را ببیند، با قلمی هنرمندانه آن را ثبت و ماندگار کند و پیش از این‌ها، با توفیقی



۱ در تاریخ ۱۳۷۰/۴/۲۵

۲ در تاریخ ۱۳۷۰/۱۲/۲۳

۳ در تاریخ ۱۳۸۴/۶/۳۱



الهیّ به این همه دست یافته باشد، مشعل ره‌روان معراج انسانی را فروغ بخشیده است.»^۱

«من به حال خود حسرت می‌خورم و به این جوانان شجاع و باایمان و فداکار غبطه می‌برم که در عمری کم‌تر از نیمهٔ عمر ما به مقاماتی رسیده‌اند که امثال من با خواندن شرح آن، احساس عروج معنوی می‌کنند. ... خدا کند در کشاکش زمانه، آن‌چه را که معراج جهاد و فداکاری به دست آورده‌اند، بتوانند به خوبی حفظ کنند. ...»^۲

«خرشا به حال این جوانان نورانی که در یکی از استثنائی‌ترین فرصت‌های الهی در تاریخ، بیش‌ترین بهره را بردند و به مدد اراده و ایمان و فداکاری، به مدارج عالی انسانی رسیدند.»^۳

«سؤال من از خورم این است که آیا این از معراج برگشتگان چه قدر می‌توانند آن حال را پس از سفر من الحقّ الی الخلق حفظ کنند و حتّی درست به یاد بیاورند؟ و برای این مقصود عالی از دست ما چه کاری ساخته است؟ و چه کرده‌ایم؟»

البته قصور یا تقصیر من و امثال من، نمی‌تواند کلیف دشوار آن‌ها را - که خدا حجّت خود را بر آن‌ها تمام کرده - بر دوش‌شان بر دارد.^۴ «وقتی که جلد اوّل کتاب شما - فرهنگ جبهه - در آمد، طبعاً به طور عادی مثل بقیهٔ منشوراتی که پیش من می‌آوردند، نشستم آن را

۱ در تاریخ ۱۳۷۰/۱۱/۶

۲ در تاریخ ۱۳۷۱/۱/۶

۳ در تاریخ ۱۳۷۰/۱۱/۱۴

۴ در تاریخ ۱۳۷۱/۱/۵

خواندم. این کتاب از بس من را جذب کرد، تا آخرش خواندم. بعد دیدم این کافی نیست؛ به خانه بردم و گفتم: همه بنشینید این کتاب را بخوانید. در جمع خانواده، جاهایی از کتاب را خود من باز کردم و خواندم. گفتم که این کتاب، اصلاً باید در فضای خانه‌ها باشد و همه باید آن را همیشه داشته باشند...^۱

«تقریباً همه کتاب‌هایی را که شما از دفتر ادبیات و هنر مقاومت منتشر کرداید، خوانده‌ام و بعضی از آن‌ها را بسیار فوق‌العاده یافته‌ام! ... من رفتی این‌ها را می‌خواندم، به این فکر می‌افتم که اگر ما برای صدور مفاهیم انقلاب، همین جزوه‌ها و کتاب‌ها را منتشر بکنیم، کار کمی نکرده‌ایم؛ کار زیادی انجام گرفته است. ... این‌ها بسیار باارزش است!»^۲

«... ما فقط می‌شنویم عملیات و... خیلی از کارهای مهمی هم که در این عملیات انجام گرفته، این‌ها را نمی‌دانیم؛ از ابروند عبور کردند، قاو را گرفتند، کارخانه نمک را فتح کردند، فلان کار را کردند. ما کلیات را می‌دانیم، اما این که در این قدم به قدم چه گذشته، دیگر این‌ها را نمی‌دانیم.

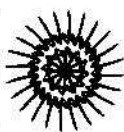
یک صفحه عظیم مینیاتور با نهایت استادی و زیبایی جلای ما گذاشته‌اند، ما هم از دور ایستاده‌ایم نگاه می‌کنیم و می‌گوییم: «... نمی‌رویم نزدیک تا ببینیم در هر گوشه‌ای از این مینیاتور، چه قدر هنر به کار رفته تا ساخته شده. این کارها را بعضی‌ها می‌کنند. کرده‌اند.»^۳

۱ در تاریخ ۱۳۷۰/۱۰/۱۶

۲ در تاریخ ۱۳۷۰/۴/۲۵

۳ در تاریخ ۱۳۸۶/۶/۳۱





«سراسر دوران جنگ، سرشار از ماجراهای رؤیاگونه این راهبان شب و شیران روز است و گروه شهیدان هویزه از برجسته‌ترین آنان‌اند.»^۱

«ثبت لحظات درد و داغ و شادی و پیروزی و حفظ آثار تجاوز دشمن و مقاومت مردم است که به آیندگان امکان خواهد داد تا ابعادی از این سرگذشت را بشناسند و با گوشه‌هایی از مظلومیت ما و سببیت دشمنان ما آشنا شوند.»^۲

«ادبیات و هنر مقاومت و آنچه مربوط به دوره خاص دفاع کشور و ملت ماست، حقیقتاً از برجسته‌ترین و مهم‌ترین کارهاست. ... از دهه ۴۰ که این کارهای هنری و ادبی در حوزه هنری شروع شد و این خانه انتشارات منتشر گردید، من یکی از مشتری‌های پر و پا قرص این کتاب‌ها بودم، که خاطرات را نگاه کنم. من خیلی تحت تأثیر جذابیت و صداقت و خلوص این نوشته‌ها و گفته‌ها هستم. این را واقعاً عرض می‌کنم. یاد کسانی که این کارها را تولید کردند، از خاطر محو نمی‌شود. اسم‌هایی که من پشت این کتاب‌ها خواندم و کتاب‌های‌شان را نگاه کردم، غالباً در ذهنم هست و من قدردان و قدرشناس این‌ها هستم و اگر می‌توانستم، عظمت این کار را مدح می‌کردم. البته در طول تاریخ، شعراء معمولاً ساجان قدرت و ثروت و امثال این‌ها را مدح می‌کردند، اما به نظر من دید شماها را مدح کرد. اگر بنده شاعر بودم، یقیناً در مدح شماها، در مدح آقای سرهنگی، در مدح آقای بهبودی، در مدح آقای قدمی، در مدح

۱ از تقریظ حضرت امام خامنه‌ای مد ظله العالی بر کتاب «حماسه‌ی هویزه»
 ۲ از بیانات حضرت امام خامنه‌ای مد ظله العالی در جمع بریاکندگان کنگره‌ی شهدای اصفهان

همین خاطره سازان و خاطره انگیزان قصیده می ساختم. حقیقتاً جا دارد؛ چون کار بسیار بزرگ و با اهمیتی است!»^۱

«... چه قدر خوب است که آن کسانی که فیلم می سازند یا قصه می نویسند یا شعر می گویند یا نمایش نامه می نویسند، از این نوشته ها و این اسناد استفاده کنند.»^۲

«... هشت سال دفاع مقدس دارای ظرفیت تولید هزاران کتاب به منظور اسفا، فرهنگ و ارزش های اسلامی و انقلابی به جامعه و جهان است. ... اگر "دا" شناخته شود، میلیون ها نسخه از این کتاب فروش خواهد رفت. میلیون ها نفر از محتوای این کتاب بهره خواهند برد. ... شما هزار کتاب "دا" می توانید تولید کنید. "دا" یک رگه ارزش مندی است که در معدن پیدا کنید؛ این راه را ادامه دهید.»^۳

«این (کتاب هم پای صاعده) یک کتاب منبع بسیار غنی و ارزش مند است که از آن می توان ده ها کتاب و فیلم نامه و زندگی نامه استخراج کرد. لحظات و حالات ثبت شده در سراسر این کتاب، همان ظرافت های حیرت انگیزی است که از مجموع آثار پهلوی پرشکوه و با عظمت عملیاتی چون فتح المبین و بیت المقدس دیده آمده و برترین های هنر جهاد و ایثار و شجاعت و ابتکار را در محضره نمایشگاه بی نظیر هنرهای انقلاب اسلامی نشان می دهد!

این مردان بزرگی که نام آنها بسی آسان بر زبان و دل غافل ما می گذرد، از جنس همان إخوان صفا و فرسان هیجاند که سید شهیدان

۱ در تاریخ ۱۳۸۴/۶/۳۱

۲ در تاریخ ۱۳۷۰/۱۰/۱۶

۳ در تاریخ ۱۳۸۹/۲/۲۷





سلام الله عليه آنها را با عظمت و سوز و مهر، مخاطب ساخت و از فقدان آنان غمگین بود! سلام خدا و بندگان برگزیده و فرشتگان و رسولان او نثار روح مطهر آنان باد.

در روز و شب‌هایی از آبان و آذر ۸۶ صفحه به صفحه و سطر به سطر مطالعه و نیوشیده شد.^۱

«... دست این عزیزان درد نکند که در ددل غریبانه یک شهر، بلکه یک ملت را چنین پرمهر و دل‌سوز روایت می‌کنند. تاریخ ما بعدها نه فقط خرم شهر و جوان‌ها و پدر و مادرهای مقاوم آن را، که این دل‌ها و وجدان‌های بی‌بار و حق‌جو و حق‌گو را نیز ستایش خواهد کرد که نگذاشتند ضربه‌ای به آن عظمت در لابه‌لای یاوه‌گویی‌ها و هرزه‌درایی‌های زنه گم شود.»^۲

«... این حرف‌ها برای مردم دنیای مادی و ظلمانی، قابل فهم و درک نیست؛ اگرچه سراسر هشتاد سال دفاع مقدس از آن پراست.»^۳

«... تدوین و انتشار خاطرات آزادگان، کاری ماندنی و در شکل بخشیدن به تاریخ ما در آینده، دارای تأثیری مخصوص خود است.»^۴

«بی‌شک! اگر لحظات پرمعنا و پرماجرایی هر یک از این شهادت‌ها ثبت می‌شد و - چنان که در این یادداشت‌ها آمده - به چشم می‌آمد، غنی‌ترین میراث معنوی برای تاریخ به جا می‌ماند!»^۵

۱ در تاریخ آبان و آذر ۱۳۸۶

۲ در تاریخ سوم ماه مبارک رمضان ۱۴۱۳

۳ در تاریخ ۱۳۷۰/۹/۱۹

۴ در تاریخ آبان ۱۳۷۰

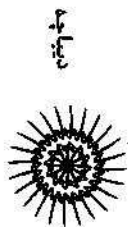
۵ از تقریظ حضرت امام خامنه‌ای مد ظله العالی بر کتاب «حماسه‌ی هویزه»

«چه قدر این کتاب "فرمان ده من" عالی است! و چه قدر من را متأثر و منقلب کرد!»^۱

«السَّلامَ علیکم یا اولیاء الله و احبَّائِه! السَّلامَ علیکم یا اصفیاء الله و خیرتِه! السَّلامَ علیکم یا انصار دین الله و اعوان ولیه! ... ای آیت های خدا! ای معجزه های ایمان! ای نشانه های تعالی جاودانه انسان! ... ای گل های محمدی صلی الله علیه و آله که فساد و آلودگی جهان امروز نتوانست از شکوفایی بازدارد تا... برقی شدید و دنیای تاریک را روشن کردید. حاجتی شدید بر آن کوتا طران که بالندگی انسان الهی را در عصر تسلط مادیّت ناممکن می دانستند. خاتمه مسلمانان صدر اسلام را زنده کردید و صدق و اراده و فناء فی سبیل الله را حقیقتی آشکار از آنان به نمایش گذاشتید. ... آنان به نفَس پیامبر صلی الله علیه و آله و نزول پیاپی آیات بر آن دل را گرم و جان را تازه می کردند؛ اما شما چه؟ حقّاً خلوص و تقوا را محسوس کردید و برای آن امام به حقّ - که مظهر خلوص و تقوا بود - سربازانی را فرستادید... سلام الله علیه و علیکم و هنیئاً لکم رحمۃ ربکم...»

این کتاب در ۱۳ رجب ۱۴۱۱ با چشمی که در بر اشک شوق و حسرت زیارت شد.^۲

«خدا یا! بهترین پاداش خود به صالحان را به این جوانان پاک عطا کن ... و ما را نیز از آن عشق و اخلاص، سهمی عنایت فرما.»
و ...



۱ در تاریخ ۱۳۷۱/۴/۲۲

۲ از تقریظ حضرت امام خامنه ای مدّ ظلّه العالی بر کتاب «فرمان ده من» در تاریخ ۱۳ رجب المکرم ۱۴۱۱

۳ در تاریخ ۱۳۷۰/۱۲/۱۴